

### بستن حسینیه ارشاد را به گشایش حزب فراگیر مستضعفین بدل می‌سازیم

خموشید خموشید گریبان مدرانید  
که در خویش چو مردید بر آن شمع بخندید  
گرفتار کلاغ اید شما بند و اسیرید  
چو پروانه جانباغ  
بسائید بسائید بر آن شمع که وابسته اوئیم  
چو ارشاد نگشتیم در خانه ببستیم  
به ارشاد بیائیم که ابلاغ رفیق است  
به این خانه نیائید که آن کعبه نه اینجا است  
در این سعی نکوشید که از مروه صفا رفت  
بگوئید بگوئید در میکده باز است  
شرابیست شرابیست اگر مرد نیاز است  
در این کهنه بسوزید از این جمع گریزد  
بر خویش بتازید شما گنج نهانید  
خدا را خدا را نخسبید  
نخسبید شما شنید جهانید  
شاه و شیخ بمرند من و خلق بمانیم نترسید  
از این خواب بر آئید که ما شیخ و رئیسیم  
بدانید بدانید بخوانید بخوانید بکوشید بکوشید  
پدیدار نهانید به آثار عیانید



سلام بر شریعتی: سلام بر ارشاد و ابلاغ و کلمه  
سلام بر شریعتی: سلام بر عرفان و آزادی و برابری  
سلام بر شریعتی: سلام بر آگاهی و آزادی و برابری  
سلام بر شریعتی: سلام بر حقیقت و خیر و زیبایی  
سلام بر شریعتی: سلام بر عبادت و کار و مبارزه  
سلام بر شریعتی: سلام بر نان و آزادی و فرهنگ  
سلام بر شریعتی: سلام بر اجتهاد و هجرت و امر به معروف  
سلام بر شریعتی: سلام بر شور و شعور و شرف  
سلام بر شریعتی: سلام بر کتاب و ترازو و آهن  
سلام بر شریعتی: سلام بر عدالت و انسانیت و پرستش  
سلام بر شریعتی: سلام بر آزادی و برابری و برادری

ببندید ببندید که این خانه چو بستید  
گشاییم همه بال به معراج برائیم  
ببندید ببندید که میخانه چو بستید  
به خمخانه کشانیم همه حزب گشائیم  
بکوبید بکوبید که مردان طریقت  
در خانه ببستید و رفیقان همه کشتید  
نیریم نیریم که ما بدر نیریم  
یکی آتش نمرود، یکی کف رهائی  
یکی تیغ فقاقت، یکی صلیب مصلوب  
بتازید بتازید که چون غاسق واقب  
چو برید نترسیم نترسیم که ما شاهد و شمعیم  
فسوسا فسوسا شهیدان همه رفتند در خانه گشودند  
در خانه ببندید که این خانه شرک است  
زهی شرم، زهی ننگ زهی، مرگ به جلاد  
به خائن، به خناس، به نرود، به فرعون، به شداد  
بکوشیم بکوشیم چو زندان بشکستیم  
همه جمع بخندیم  
اگر یوسف راهیم، اگر خضر صراطیم  
اگر آب حیاتیم، اگر شاهد خلقیم  
بیارید بیارید بر این خلق بخوانید  
که این خلق چو دیدید همه گنج نهان است  
مبادا مبادا که در خلق نیرید  
بشورید بشورید بر این شهر خموشی  
کزین شهر چو رستید همه حر حسینید  
به ارشاد بر آئید به ارشاد بر آئید  
که این خانه فسق است  
بیائید بیائید که میخانه ببستند بنالیم بنالیم  
که آن یار ببرند یتیمیم یتیمیم اگر مست شبانیم  
نه از مرگ بترسیم نه از خوف بلرزیم  
نه در حبس ببریم که ما پیرو شمعیم  
اگر شاه بتازد، اگر شیخ بکوبد، اگر فقه ببندد  
ترش روی نگردیم که از آل حسینیم  
چرا ماه نبوسیم چرا آب نگردیم چرا حبس و ذلیم  
چرا پیرو شرکیم چرا دست ببوسیم خدایا خدایا از این مرگ نیریم  
الهی الهی در کعبه ببستند خدایا خدایا در شرک گشودند  
اسیریم اسیریم در این خانه شرکیم  
شهیدان همه رفتند و فقیهان همه ماندند  
رسیدیم رسیدیم در این خانه ننگیم

## چهاردهم آبان، سالروز بسته شدن حسینیه ارشاد همراه با اعلام فراخوانی حرکت اقدام سازمان‌گرایانه حزبی توسط معلم کیرمان بر همه پیشگامان جنبش اجتماعی، دموکراتیک و سوسیالیستی ایران مبارک باد!

«برای من حسینیه ارشاد جایی که در آن سخنرانی می‌کردم و یا درس می‌دادم نیست، حسینیه با خون و فکر و شخصیت و ایمانم عجین شده است.»

۱- **استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی:** «حسینیه ارشاد بنیاد یک حزب می‌شود که تشیع علوی را به عنوان ایدئولوژی خود انتخاب کرده است و اسلام‌شناسی مکتب علمی و جهان بینی آن است که در سخنرانی «شیعه یک حزب تمام» اساس آن را طرح کردم.» (مجموعه آثار جلد ۱۱ - صفحه ۱۴۳)

۲- **جایگاه استراتژی سازمان‌گرایانه حزبی:** «اواخر اقامتم در اروپا با تجدید نظرهای اساسی که در همه مشغولیت‌هایم و عقاید و تصمیماتم و جهت‌گیری و موضع‌گیری اجتماعی و فلسفی و مذهبی‌ام و... کردم به این مسیر فکری که شما الان می‌بینید افتادم.» (مجموعه آثار جلد ۱۷ - صفحه ۱۵۲)

۳- **زمان فراخوانی حزب:** «تا مردم به آگاهی نرسیده‌اند و خود صاحب شخصیت انسانی و تشخیص طبقاتی و اجتماعی روشنی نشده‌اند و از مرحله تقلید و تبعیت از شخصیت‌های مذهبی که خود جنبه فتوائی و مقتدائی دارند به مرحله رشد اجتماعی و سیاسی ارتقاء نیافته‌اند (نباید شعار فراخوانی حزب اعلام کنیم).» (مجموعه آثار جلد ۴ - صفحه ۹۴)

«تا متن مردم بیدار نشده باشند و وجدان اجتماعی آگاهی نیافته باشد هر مکتبی و هر نهضتی (و هر گونه فراخوانی حزبی) عقیم و مجرد خواهد ماند.» (مجموعه آثار جلد چهار - صفحه ۹۸)

۴- **موضوع حزب:** «مردم زمینه اصلی کار اجتماعی و مخاطب اصلی (حرکت سازمان‌گرایانه حزبی) می‌باشند.» (مجموعه آثار جلد چهارم - صفحه ۴۸)

۵- **حزب و پوپولیسم:** «نباید دچار یک نوع رمانتیسم چپ‌گرایانه شد و توده‌انی را که بالقوه بدان می‌اندیشیم با توده‌انی که بالفعل وجود دارد مترادف شمرد. اشتباه میان این دو در عمل اجتماعی (که همان پوپولیسم‌گرایی حزبی می‌باشد) خطاهای بسیار سنگینی و حتی فاجعه آمیزی ببار می‌آورد.» (مجموعه آثار جلد چهارم - صفحه ۵۱)

۶- **وظیفه حزب:** «به حرکت در آوردن دیالکتیک جامعه در مسیر تاریخ، جهت وارد کردن این دیالکتیک در وجدان و خودآگاهی جامعه می‌باشد یعنی (حزب باید) دیالکتیک موجود جامعه را به درون خودآگاهی جامعه منتقل سازد.» (مجموعه آثار جلد ۱۸ - صفحات ۱۴۶ و ۱۴۷)

۷- **مشخصه استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی:** «استراتژی (حزبی) شیوه مبارزه‌انی است که بایستی در هر زمان و مکانی بر مبنای شناخت و ارزیابی عینی و دقیق شرایط و مقدرات و امکانات خودی و دشمن اتخاذ و اجرا گردد از این رو (استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی) استراتژی ثابت و مشخص واحدی نیست که در شرایط و اوضاع نامساعدی نتواند مبارزه خود را ادامه دهد، بلکه درست برعکس آنچنان شیوه مترقی و قابل انعطافی است که می‌تواند در هر زمانی و در هر مکانی برحسب شرایط متغیر خودی و دشمن به طور مستمر و بی‌امان ادامه یابد. یعنی آنچنان شیوه گسترده و کشداری است که قادر است در تمام فراز و نشیب‌های شرایط متحول گوناگون تاریخی و فکری و اجتماعی و طبقاتی و نظامی و... راه خود را پیدا کند و همواره به صورت مستقیمی رو به سوی هدف‌های خویش گام بردارد.» (مجموعه آثار جلد هفتم - صفحات ۱۱۴ - ۱۱۳)

۸- **خودآگاهی اعتقادی مقدم بر خودآگاهی اجتماعی در استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی:** «همه جا در طول تاریخ می‌بینیم هر جا حرکت و سازندگی وجود داشته پشتیبانش یک بینش و یک آگاهی فکری یا یک فرهنگ اعتقادی بیدار کننده و روشنگر و همچنین یک توجیه انتقادی از حرف و از عمل وجود داشته است این موضوع (برای حزب) یک امر جبری و مسلم و بدون استثناء می‌باشد.» (مجموعه آثار جلد ۱۷ - صفحه ۱۶۳)

۹- **حزب و خودآگاهی اعتقادی و مذهبی در جامعه ایران:** «هر نهضتی در دنیا و هر حرکت اجتماعی در تاریخ، چه در گذشته و چه در حال اگر جدی و موثر و پخته و واقعاً تغییر دهنده نظام‌های اجتماعی و فکری بوده است، به این علت بوده که در آن یک پشتوانه ایدئولوژیک بوده است کار و کوشش آگاهانه (پیشگامان حزب) پختن این شرایط و عناصر خام جهت تولید آگاهی و بیداری و مایه علمی و سرمایه فرهنگی در مردم می‌باشد و توسط این تولید است که در ادامه آن یک نهضت فکری و بیداری و آگاهی در جامعه بوجود می‌آید. یعنی متن جامعه به حرکت در می‌آید و رنسانس بوجود می‌آید و بدین ترتیب است که یک حرکت یا یک تحول اجتماعی ریشه‌دار و جدی و عمیق در آن جامعه تحقق پیدا می‌کند.» (مجموعه آثار جلد ۱۶ - صفحه ۱۹۰)

۱۰- **زرادخانه حزب:** «وقتی ملتی به تفکر آغاز کرد هیچ قدرتی پیروزی او را نمی‌تواند سد کند.» (مجموعه آثار جلد ۱۸ - صفحه ۱۳۵)

«تا زمانی که در جامعه خود دست به یک تحول نظری نزنیم نمی‌توانیم به یک تحول همه جانبه عینی و عملی دست پیدا کنیم.» (مجموعه آثار جلد ۲ - صفحه ۱۶۷)

«عادت کردن به تفکر بزرگترین نیاز جامعه ایران است برای اینکه وقتی هر کار دیگر اجتماعی یا فرهنگی یا اقتصادی یا حتی سیاسی یا مذهبی و اعتقادی و اخلاقی ارزش دارد و به نتیجه عملی می‌رسد که اصلاً یک ملتی عادت به تفکر کردن داشته باشد و اندیشیدن را بیاموزد و بداند.» (مجموعه آثار جلد ۱۸ - صفحه ۴)

۱۱- **استحاله شخصیتی افراد در عرصه پراتیک اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی:** «من خودم در اروپا شاهد بودم که آفریقائی‌هایی که از پلیدترین عناصر بودند و به کثیف‌ترین مشاغل مشغول بودند، همین که به عقیده و ایمان دست می‌یافتند، به صورت مجاهدینی پاکبخته و صمیمی درمی‌آمدند و در عرض چند ماه چنان شخصیتی می‌یافتند که جا داشت تا مجسمه‌شان را در معبر آزادی بر پا دارند.» (مجموعه آثار جلد ۱۶ - صفحه ۲۰۱)

عوامل منفی قدرت‌های ارتجاعی جامعه و دست‌های دشمنان داخلی و خارجی این نهضت اصلاحات تدریجی را از مسیر خود منحرف سازند و یا آن را متوقف نمایند و حتی نابود کنند. (آنچنانکه امروز حرکت‌های رفرمیستی نئولیبرالیست‌های مذهبی توسط ارتجاع مذهبی حاکم گرفتار این آفت شده است. استراتژی حرکت اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی باید) مانند پیغمبر اسلام بر پایه یک متد خاصی در مبارزه اجتماعی و رهبری نهضت بنا گردد، تا بی آنکه عواقب منفی و نقاط ضعف استراتژی‌های سه گانه (رفرمیستی و کنسروالیسم و رولوسیونی) را داشته باشد، به هدف‌های اجتماعی خویش و ریشه کن کردن عوامل منفی و سنت‌های ترمز کننده جامعه به سرعت نائل آید و آن این که سنت‌های مذهبی جامعه را از درون به صورت انقلابی و سریع متحول سازند.» (مجموعه آثار جلد ۲۱ - صفحات ۵۰ و ۵۱)

**۱۷- تقدم خودآگاهی اعتقادی بر خودآگاهی اجتماعی در استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی:** «وقتی انقلاب مشروطه را با انقلاب کبیر فرانسه مقایسه کنیم، در مقایسه با آنچه که انقلاب مشروطه از آن کپی کردند یکی به آن شکل درمی‌آید و یکی به این شکل، این است که می‌بینیم مشروطه با چند فرمان و فتوا شروع می‌شود در صورتی که انقلاب کبیر فرانسه با یک قرن اندیشیدن و تفکر و بینش تازه و حرکت فکری مترقی و آگاه و روشنگرانه شروع می‌شود.» (مجموعه آثار جلد ۱۷ - صفحه ۱۶۶)

**۱۸- «در موقعی که مشروطیت عملی شد، قوانین بلژیک را ترجمه کرده و به جای سنت‌های استبدادی و بومی برای ایران به کار بردند، در حالی که مردم ایران به آن حد از تکامل و خودآگاهی نرسیده بودند. این گونه قوانین حروف مرده‌ای هستند که از کفن سپید کتابچه‌ها پا بیرون نمی‌گذارند و فقط به درد مطالعه افراد محقق می‌خورند نه به درد مردم. بدون خودآگاهی متن مردم هر راه حلی در حوزه‌های علمی و زوایای کتابخانه‌ها و گوشه‌های کافه‌های روشنفکری خواهد ماند و مجرد و بیگانه خواهند بود.»** (مجموعه آثار جلد ۱۲ - صفحه ۲۲۸)

**۱۹- چریک‌گرانی مدرن بزرگ‌ترین آفت استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی در جامعه ما می‌باشد، چراکه آنچنانکه در سال ۶۰ دیدیم با نظامی کردن فضای جامعه راه هر گونه اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی را می‌بندند:** «نسل جدید که تنها احساس تند آزادیخواهی و رهائی‌جویی دارد و برای نجات خود و استقلال میهنش از یوغ استعمار بیگانه تلاش می‌کند و رنج می‌برد، تجربه سیاسی ندارد، یعنی پختگی مبارزه را ندارد و تحت تاثیر کتاب‌ها و فیلم‌ها و داستان‌های سیاسی‌اند که از آزادی سخن می‌گویند و انقلاب و قیام برای رهائی و شکستن زنجیر استبداد و استعمار خارجی و نمی‌دانند که به گفته چه گوارا آزادی بیش از همه از دست کسانی ضربه می‌خورد و ضربه‌ای شکننده که برای نیل بدان کوتاه‌ترین راه را انتخاب می‌کنند و سریع‌ترین مرکب را (چریک‌گرایی و ترور و ارتش خلقی و مبارزه مسلحانه) سرنوشت بسیاری از کشورهای که اکنون در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در چنگال استبداد و حکومت غاصب بیش از پیش رنج می‌برند و به خفقان دچار شده‌اند و یوغ استعمار بیگانه بیرحمانه تر بر سرشان افتاده و زنجیر محکومیت در بند خارجی حلقومشان را تنگتر از پیش می‌فشارد، گواه صادقی است که نسل آزادی خواه جوان دست به مبارزه نابهنگام و ناهنجار زده‌اند و پیش از آنکه شرایط انقلاب فراهم شده باشد، میتینگ‌ها و تظاهرات و حرکت‌های تند مسلحانه کرده‌اند و در نتیجه تنها چیزی که به دست آورده‌اند، این بوده است که حکومت را بیدارتر کرده‌اند. (آنچنانکه در جامعه خودمان این موضوع در رابطه با مبارزه ۳۰ ساله مجاهدین خلق با ارتجاع حاکم به نیکی مشاهده کرده‌ایم) و استعمار را در کوبیدن و خفه کردن حلقوم‌ها پخته تر و پس از رنج‌ها

**۱۲- چگونگی حزب تحقق عینی پیدا می‌کند:** «نهضت فکری و ایمان یافتن جهت و هدف مشترک معجزه می‌کند. یک جامعه منحط را نمی‌توان با نصیحت و موضوع انشاء و اخلاق و موعظه معمولی پدر و مادر تغییر داد، بلکه با یافتن هدف مشترک در همه گروه‌ها و قشرهای مختلف است که چنین معجزه‌ای صورت می‌گیرد و مثل هر معجزه‌ای سریع و غیر قابل پیش بینی و غیر قابل تصور است.»

**۱۳- رابطه حزب و جنبش‌های دموکراتیک جامعه:** «(حزب) برای شروع مبارزه اصیل باید از مردم (جنبش اجتماعی) و به خصوص از نسل جوان (جنبش دانشجویی و جنبش دانش آموزی) شروع کند چراکه اینان اگر عقیده و ایمانی بیابند پاکبخته‌اش خواهند شد و با سرعت به عناصر فعال و مجاهد و هستی باز و زندگی باز تبدیل می‌شوند. تجربه‌های انقلابی و فکری و اصلاحی نشان داده است که در جامعه‌ای فاسد که هر نوع فساد در عمق جان و استخوانش ریشه کرده است و همه روشنفکران ظاهرین از آینده ملت و سرزمین ناامید بوده‌اند، ناگهان با یک جوشش اعتقادی و فکری آگاهانه همه پلیدی‌ها پاک شده و مردم از لباس‌های چرکین درآمده‌اند.» (مجموعه آثار جلد ۱۶ - صفحه ۲۰۰)

**۱۴- استراتژی حزب دراز مدت است نه کوتاه مدت:** «در راه حل‌های اجتماعی نباید به کوتاه‌ترین راه حل اندیشید بلکه باید به درست‌ترین راه فکر کرد، همه حرکت‌های گذشته در جامعه ما به خاطر این به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند که می‌خواستند چند تا راه کشف کنند و بعد به نتیجه برسند و وقتی می‌دیدند به نتیجه‌ای نمی‌رسند مایوس می‌شدند و می‌رفتند شعر نو می‌گفتند.» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۴۹۸)

**برای تشکیل حزب:** «باید بهترین و منطقی‌ترین طریقه را انتخاب کنیم، نه نزدیک‌ترین طریقه. زیرا نزدیک‌ترین طریقه منطقی‌ترین طریقه نیست (در راه تشکیل حزب) ما باید بیشتر فداکاری بکنیم و کمتر توقع داشته باشیم، بر خلاف پیشگامان امروز که بیشتر توقع دارند و کمتر فداکاری. من ترجیح می‌دهم (برای تشکیل حزب) دو نسل یا حتی سه نسل کار بکنیم و بعد (فراخوانی حزب بدهیم) اما اگر بخواهیم در عرض ده سال (حزب‌مان) تشکیل دهیم، باز بر می‌گردیم به ۱۰۰ سال عقب‌تر، همیشه یک تجربه عجیب در تمام آفریقا و آسیا شده، کسانی که به سرعت به نتیجه رسیده‌اند بعد امتیازات قیل از انقلابشان را هم از دست داده‌اند. من همه انقلابات زودرس را نفی می‌کنم.» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۵۰۰)

**۱۵- مضمون محوری استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی بر حرکت آگاهی بخش استوار می‌باشد:** «این رسالت بزرگ پیامبرانه (تشکیل حزب) را پیشگامان راستین حزب نه با تفنگ و نارنجک نه با میتینگ و داد و قال نه با سیاست بازی‌های رایج و سطحی نه با انقلاب‌ها و تغییر رژیم‌ها و عوض کردن آدم‌ها و خلق ماجراها و حادثه‌ها و نه با مشغولیت‌های روزمره و یا مبارزه‌های باب روز و نه در تشبیه به موج‌های نو و چپ‌گرایی‌های آخرین مدل و... امکان پذیر است، بلکه تنها راه نیل به حزب در یک کلمه با کاری پیامبرانه در میان قوم و در عصر و نسل خویش در هر گوشه از این جهان که هستیم باید آغاز کنیم ابلاغ و سلاحش کلمه. من هیچوقت دستی‌چاچه نیستم که زودتر به نتیجه برسم فقط مضطرب هستم که مبادا راه رسیدن به نتیجه را درست انتخاب نکرده باشیم.» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۵۲۵)

**۱۶- استراتژی آگاهی بخش بر پایه خودآگاهی اعتقادی در جامعه مذهبی ایران جهت اعتلای جنبش سازمان‌گرایانه حزبی باید بر پایه اصلاح انقلابی باشد نه رفرمیسم و نه اصلاح تدریجی و نه انقلابی محض:** «شیوه اصلاح تدریجی (یا رفرمیسم نئولیبرال‌های مذهبی فعلی) غالباً این عیب را پیدا می‌کند که در طی این مدت طولانی

و شکنجه‌ها و زندان‌ها اکنون از آزادی دورتر شده‌اند و انقلاب را سال‌ها به تاخیر انداخته‌اند و امروز از آزادی‌های نسبی اندکی که پیش از این داشتند نیز محروم شده‌اند و حتی از گفتن و نوشتن نیز ممنوع گشته‌اند و نه تنها آزادی بلکه نام آزادی را بر زبان نمی‌توانند بیاورند و حتی یاد آزادی و غم آزادی و اندیشیدن به آزادی در خلوت و کنج خانه برایشان جرم است.» (مجموعه آثار جلد ۳۳)

۲۰- استراتژی آگاهی بخش حرکت اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی بر پایه نقد مستمر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی سه قطب قدرت (زر و زور و تزویر) و خود جامعه می‌باشد یعنی در یک کلام استراتژی حرکت اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی باید مستمراً بر پایه نقد قدرت ثلاثه و نقد خود مردم استوار باشد: «رسالت (حزب) در یک کلمه عبارت است از وارد کردن واقعیت‌های ناهنجار موجود در بطن جامعه و زمان به احساس و آگاهی توده‌ها است. روسو می‌گوید «برای مردم راه نشان ندهید و تعیین تکلیف نکنید فقط به آن‌ها بینائی ببخشید خود راه‌ها را به درستی خواهند یافت و تکلیفشان را خواهند شناخت.» علت ناکامی انقلاب مشروطه ما جز این نبود که رهبران بی آنکه به مردم آگاهی اجتماعی و بینائی سیاسی داده باشند به هدایت خلق و راه حل نهائی پرداختند و یک بار دیگر دیدیم که ثمره تحمیل انقلاب بر جامعه‌ائی که به آگاهی نرسیده و فرهنگ انقلابی ندارد جز مجموعه‌ائی از شعارهای مترقی اما ناکام نخواهد بود.» (مجموعه آثار جلد ۴ - صفحات ۶ تا ۹)

۲۱- محور اساسی استراتژی آگاهی بخش حزب در جامعه بر پایه نقد سه قدرت موجود جامعه (قدرت - ثروت - معرفت) همراه با نقد خود جامعه می‌باشد: «(حزب) با بینش فکری و روش مبارزه اجتماعی که دارد و نیز بر حسب نظام اجتماعی‌ای که در آن مسئول است تکیه اساسی را بر روی نقد یکی از سه قدرت (قدرت - ثروت - معرفت) قرار می‌دهد.» (مجموعه آثار جلد ۶ - صفحه ۱۷۶)

۲۲- در ایران استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه توده‌ائی در مرحله خودآگاهی اعتقادی از کانال دین اسلام و مذهب شیعه می‌گذرد و بدون آن امکان هیچگونه مبارزه آگاهی بخش در این جامعه برای حزب وجود ندارد: «من معتقدم که باید از طریق دین در وجدان فردی و اجتماعی یک جامعه مذهبی حلول کرد و او را بیدار کرد با او زبان و احساس مشترک یافت و حرف زد این تنها راه ممکن است و تجربه‌های بسیار آن را ثابت کرده است مبارزه با مذهب تنها نتیجه‌ائی که داشته است اسارت بیشتر مردم در چنگ دسیسه‌های سرمایه‌داری غرب بوده است. یک مذهبی که مذهبش را از او می‌گیرند چه می‌شود؟ یک روشنگر؟ هرگز! می‌شود یک مصرف کننده کالاهای اروپائی و یک موجود رام و بی تعصب در برابر هجوم غرب.» (مجموعه آثار جلد ۳۳ - صفحه ۱۰۳۲)

۲۳- اصول مقدماتی که هر اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی در ایران باید به آن معتقد باشد عبارتند از: «(حزب) در جامعه ما باید این دو اصل را بداند که اولاً جامعه ما اسلامی است و ثانیاً اسلام یک حماسه اجتماعی و متحرک می‌باشد اگر یک (حزب) بتواند نهضت خود را برای بیداری و آگاهی و رشد اجتماعی و فرهنگی توده‌های ما بر این پایه استوار کند موفقیتش حتمی و سریع است.» (مجموعه آثار جلد ۱ - صفحه ۱۲۵)

۲۴- یکی از آفت‌هایی که در جامعه ایران در کمین حرکت حزبی وجود دارد تقدم بخشیدن بحرکت خودآگاهی اجتماعی خارج از خودآگاهی اعتقادی می‌باشد: «بسیار کم تجربگی و کم تجربگی خطرناک و فاجعه آمیز و نابود کننده است اگر از آن روند خودآگاهی اعتقادی به غفلت بگذریم و تمامی توش و توان مان را تنها و تنها

در یک محدوده عمل مطلقاً سیاسی مستهلک کنیم این کار موجب آن می‌شود که اسلام نو در جنین خفه شود و میراث خوار جهادها و شهادت‌های ما دیگران باشند. دیگرانی که بارها نشان داده‌اند که چه میراث خوارانی که می‌خورند و حتی در لفظ سیاسی نمی‌گذارند.» (مجموعه آثار جلد ۱ - صفحه ۲۱۴)

۲۵- بزرگ‌ترین خصیصه حزب پیشگام در جهت اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی تولید فکر است: «یکی از خوبی‌های که با بسته شدن حسینیه ارشاد حاصل گردید این بود که آدرس خیلی از فکرها از بین رفت بچه‌هایی که دیگر هیچ سر بندی ندارند هر هفته جزوه‌ائی نمی‌گیرند این‌ها خودشان شروع کرده‌اند به تولید کردن و تولید کننده فکر و اندیشه شده‌اند ارزش ۱۰ تا دانشجویی که تولید کننده‌اند از هزار تا حسینیه ارشاد که ده هزار نفر آنجا برای من کف می‌زنند بیشتر است.» (مجموعه آثار جلد ۲۳ - صفحه ۲۵۴)

۲۶- مراحل استراتژی حرکت سازمان‌گرایانه حزبی بر سه پایه ترویجی و تبلیغی و تهییجی استوار می‌باشد مرحله ترویج حزبی: «اولین گام حزبی که به خاطر مردم و از میان آن‌ها قیام کرده‌اند دعوت مردم بسوی حق و بخشیدن آگاهی به آن‌ها و بالاخره آموزش نظری و تئوریک به مردم است البته این مرحله (ترویجی حزب) نه اینکه این حقایق و آموزش‌های تئوریک حقیقت‌ها را در ذهن‌ها و کتاب‌ها و دانشگاه‌ها و محفل‌های روشنفکر مآبانه و یا پشت میزهای کافه‌ها با توده‌ها مبادله می‌گردد، بلکه بالعکس همین مرحله ترویج هم باید توسط زندگی توده‌ها و در عرصه زندگی توده‌ها مبادله گردد.» (مجموعه آثار جلد ۷ - صفحه ۹۲)

۲۷- نخستین پاسخی که حزب سازمان‌گرای حزبی باید به سوال از کجا آغاز کنیم خود بدهد عبارت است از: «نخستین رسالت ما کشف بزرگ مجهول غامضی است که از آن کمترین خبری نداریم و آن متن مردم است و پیش از آنکه به هر مکتبی بگرویم باید زبانی برای حرف زدن با مردم بیاموزیم چراکه اکنون گنگیم، ما از آغاز پیدایشان زبان آن‌ها را از یاد برده‌ایم و این بیگانگی قبرستان همه آرزوهای ما و عبث کننده همه تلاش‌های ما می‌باشد.» (مجموعه آثار جلد ۱ - صفحه ۲۵۵)

۲۸- کار حزب کسب قدرت نیست نقد قدرت است که با آن پیشگام رسالت خودش را که خودآگاهی بخشیدن به توده‌ها است ممکن می‌سازد: «در یک کلمه پیشگام کسی است که دارای یک بینش انتقادی است.» (مجموعه آثار جلد ۴ - صفحه ۸۳)

«(حزب) رسالتش رهبری کردن سیاسی جامعه نیست رسالت (حزب) خودآگاهی دادن به متن جامعه است فقط و فقط همین و دیگر هیچ اگر (حزب) بتواند به متن جامعه خودآگاهی بدهد از متن جامعه قهرمانانی بر خواهند خواست که لیاقت رهبری کردن خود (حزب) را هم دارند و تا وقتی که از متن مردم قهرمان نمی‌زاید (حزب) رسالت دارد.» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۴۹۹)

«(حزب) کارش این است که تضادهای موجود در جامعه را که در متن جامعه وجود دارد، از متن جامعه بردارد و توی احساس و آگاهی جامعه بکند یعنی رسالت حزب این است که تضاد موجود در جامعه را از عرصه واقعیت وارد ذهنیت توده‌ها بکند زیرا تضاد تا زمانی که در درون عینیت وجود دارد هرگز عامل حرکت نیست یعنی نفس تضاد در جامعه عامل حرکت نیست اگر تضاد توسط حزب وارد ذهنیت انسان‌های جامعه شد و به آگاهی رسید آن وقت عامل حرکت می‌گردد، به این خاطر است که فقر عامل حرکت نیست، احساس فقر عامل حرکت است.» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۵۰۳) ▶

والسلام